

نوبنیاد

روزنامه سراسری
صبح ایران

وقت تجدیدنظر در دکترین هسته‌ای

وقتی تأسیسات هسته‌ای کشوری که تحت نظارت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی فعالیت می‌کند، هدف حمله نظامی قرار می‌گیرد، دیگر نمی‌توان با تکرار توصیه‌های گذشته، امنیت ملی را تضمین کرد. حملات رژیم صهیونیستی به مراکز هسته‌ای ایران و بمباران فردو و تهدید به نابودی تمدن ایران پرسشی اساسی را پیش روی سیاست‌گذاران قرار داده است که اگر نظارت، همکاری با آژانس و پایبندی به تعهدات بین‌المللی نتواند مانع تجاوز شود، هزینه این پایبندی برای کشور چیست و طرف متجاوز چه هزینه‌ای می‌پردازد؟ اکنون بازنگری در دکترین هسته‌ای و ارزیابی مجدد ادامه عضویت در NPT، به مطالبه جدی در قشر نخبگانی و افکار عمومی تبدیل شده است.



۷

راهبرد جدید در تنگه



پیام صریح برخورد با قریب به ۳۰ کشتی متخلف و نخستین گفت‌وگوی تلویزیونی فرمانده نیروی دریایی سپاه درباره معادله قدرت در هرمز حاکی از آن است که کشتی بان را در خلیج فارس، سیاستی دیگر آمده است.

۷



روایت آزادسازی
پول‌های بلوکه شده،
با وجود دولت روحانی!

۳

مخاطب باید‌ها،
همچنان از وضعیت
کشور انتقاد می‌کند

۳



«حمله نمی‌کنیم»
خودش یک عملیات است

پدرام حسینی
روزنامه‌نگار

صفحه ۲

سیاسی

سکه‌ها را به بیت‌المال برگردان!

اظهارات اخیر ظریف، وزیر امور خارجه دولت روحانی، بار دیگر موجی از انتقادات و مطالبات مردمی درباره عملکرد او و تبعات برجام به راه انداخته است؛ مطالبه‌ای که این بار در قالب کارزاری با عنوان «آقای ظریف! سکه‌های برجام را به بیت‌المال برگردانید» دنبال می‌شود.

صفحه ۴

اقتصادی

۳۹۴ همت منابع بانکی در دست ۲۰ بدهکار بزرگ

آمار تسهیلات کلان غیرجاری بانک‌ها از تمرکز قابل توجه مطالبات در بخش محدودی از شرکت‌ها حکایت دارد. بر اساس آمار بانک مرکزی، خالص تسهیلات غیرجاری ۲۰ ذی‌نفع بزرگ معرفی شده در بانک‌ها و مؤسسات اعتباری به حدود ۳۹۴ هزار میلیارد تومان رسیده است.

گزارش کانال ۱۲ اسرائیل از گفت‌وگوهای مکرر نتانیا‌هو و ترامپ درباره از سرگیری جنگ علیه ایران، بیش از آنکه صرفاً یک خبر انتخاباتی باشد، یک هشدار امنیتی است. نتانیا‌هو صراحتاً در پی آن است که پیش از انتخابات اسرائیل و انتخابات میان‌دوره‌ای آمریکا، پرونده جنگ با ایران را دوباره روی میز بگذارد. ترامپ اگرچه گفته پیش از انتخابات به ایران حمله نخواهد کرد، اما پاسخ مبهم او به نتانیا‌هو - «خودت می‌دانی چه کار کنی، برو و آماده شو» - دقیقاً همان ابهامی است که می‌تواند برای آماده‌سازی یک عملیات نظامی مورد استفاده قرار گیرد.

متن کامل در صفحه ۷

انتقادات نمایندگان از محدودیت‌های نظارتی و تعطیلی صحن مجلس شدت گرفت

پارلمان در بحران

زندان اوین برای برگزاری جلسه سخن می‌گوید؛ تهدیدی که بیانگر این موضوع است که نمایندگی مردم در شرایط فعلی، عملاً باید به سکوت و انفعال تقلیل داده شود.

در حالی که نمایندگان مجلس از بسته بودن صحن و محدودیت شدید در پیگیری مطالبات مردم گلایه می‌کنند، سخنگوی کمیسیون اقتصادی از تهدید ضمنی شدن به



جعفر کاظمی

روزنامه نگار

می‌گویند جایی نداریم. همان آقا به من می‌گوید: زندان اوین جای خوبی است؛ جلسه‌تان را آنجا برگزار کنید.»

وی ادامه داد: «ببخشید، آیا نماینده مجلس را تهدید می‌کنید که او را به زندان اوین بفرستید؟ برای اینکه چه اتفاقی بیفتد؟ برای اینکه مطالبات مردم را پیگیری نکنم؟»

جراره: مجلس و دولت به حرف ولی عمل نکردند

ابوالقاسم جراره، نماینده مجلس شورای اسلامی، در اجتماع شبانه مردمی در قزوین، با تأکید بر ضرورت محاکمه مسببان شرایط بد کشور، از دستگاه قضا خواست با کسانی که در دوران مسئولیت خود وظایفشان را انجام نداده‌اند، برخورد کند. این نماینده مجلس همچنین، مشکلات موجود را ناشی از عمل نکردن مجلس و دولت به رهنمودهای رهبری دانست و اظهار داشت: «اگر این مشکلات را می‌بینید، دلیلش این است که به حرف ولی عمل نشد. مجلس عمل نکرد، دولت عمل نکرد و دستگاه‌ها عمل نکردند. نمی‌گویم هیچ کاری نکردند؛ بلکه آنچه را باید انجام می‌دادند، انجام ندادند.»

تناقض در توجیه تعطیلی مجلس

قابل ذکر است که ایمان شمسایی، رئیس مرکز ارتباطات، رسانه و امور فرهنگی

مجلس شورای اسلامی، در توجیه تعطیلی صحن مجلس، از حد نصاب نیفتادن جلسات مجلس را دلیل این تصمیم دانسته و اظهار کرده بود: «مجلس اگر از ۱۹۲ نماینده کمتر داشته باشد، دیگر امکان برگزاری ندارد. لذا نباید یکجا همه جمع باشند. ولی با شهادت یا مرگ یک نماینده، حالا در هر سطحی، دیگر نمایندگان می‌توانند جایگزین جایگاه حقوقی او در مجلس شوند، اما چاره جبران افت نصاب، تنها انتخابات است.» این توجیهات در حالی مطرح می‌شود که در شهریورماه، جلسه‌ای با حضور بیش از ۲۰۰ نماینده، با هدف گفت‌وگو درباره مسائل مهم کشور و به‌ویژه وضعیت اقتصادی و معیشتی مردم، در حرم شاه عبدالعظیم حسنی (ع) در تهران برگزار شده بود. همچنین به مناسبت روز خبرنگار، شامگاه شنبه ۲۴ مرداد، قالیباف و اعضای هیئت‌رئیس در مراسم تجلیل از خبرنگاران پارلمانی شرکت کردند؛ مراسمی که ظاهراً بدون پروتکل‌های امنیتی برگزار شده بود. بنابراین، اگر قرار است حد نصاب نمایندگان به‌عنوان توجیهی برای تعطیلی جلسات صحن مجلس مطرح شود، این پرسش پیش می‌آید که چگونه می‌توان این دوره‌می ۲۰۰ نفری نمایندگان را جمع هیأت رئیسه در یک فضای غیررسمی را توجیه کرد؟

خبر کوتاه

خضریان: انتصابات رفاقتی، مانع کارآمدی وزارت نفت است

نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی با اشاره به تغییرات مدیریتی در وزارت نفت، گفت: آنچه قطعی و یقینی است اینکه وزارت نفت با رفت‌وآمد وزیر اصلاح نمی‌شود؛ و تا سازوکار انتصابات و پاسخ‌گویی اصلاح نشود، نابسامانی در دستگاه‌های اجرایی از جمله وزارت نفت ادامه دارد. وی افزود: البته وقتی شاهد سیاست ورزی رفاقتی و خویشاوندی در این موضوع و مصادیق متعدد در دستگاه‌های اجرایی هستیم، دیگر نمی‌توان انتظار کارآمدی داشت.

جزئیات نشست نمایندگان تهران با عراقچی

سید مرتضی محمودی سخنگوی مجمع نمایندگان تهران، درباره جلسه نمایندگان با سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه اظهار کرد: پس از ارائه گزارش آقای عراقچی، نمایندگان دیدگاه‌ها و نقطه‌نظرات خود را مطرح کردند و سؤالاتی را پرسیدند. وجه مشترک اغلب سؤالات، تأکید بر ضرورت ارسال پیام اقتدار از سوی دستگاه دیپلماسی کشور و پرهیز از ارائه تصویرضعف به دشمن بود.

سخنگوی مجمع نمایندگان تهران ادامه داد: نمایندگان انتقادات جدی نسبت به ادبیات آقای عراقچی در توییت‌ها، پیام‌ها و مصاحبه‌هایش بویژه در طول جنگ داشتند. همچنین نسبت به نوع موضع‌گیری وزارت امور خارجه و دولت در قبال مذاکرات و خوش‌بینی‌ای که از خود نشان می‌دهند، گلایه‌های جدی مطرح شد.

وی افزود: در این زمینه، تذکری به آقای عراقچی داده شد. البته ایشان نیز پاسخ‌های مختلفی به سؤالات و شبهات مطرح‌شده ارائه کرد، اما برخی نمایندگان از پاسخ‌ها قانع نشدند.

قانون درباره روند بررسی وزیر پیشنهادی چه می‌گوید؟

روز گذشته، دومین نشست ویژه مجلس شورای اسلامی به منظور استماع برنامه‌ها و سوابق مهرداد اخلاقی وزیر پیشنهادی دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، به صورت حضور جمعی از نمایندگان و وزیر پیشنهادی دفاع و مشارکت مجازی نمایندگان دیگر برگزار شد. در این نشست نیز وزیر پیشنهادی دفاع توضیحاتی را درخصوص برنامه‌هایش ارائه کرد و در ادامه ۱۰ نفر از نمایندگان نقطه نظرات و سؤالات خود را مطرح کردند و پس از آن نیز وزیر پیشنهادی به سؤالات نمایندگان پاسخ داد. و بر اساس گفته سخنگوی هیأت رئیسه مجلس جلسه رای اعتماد وزیر پیشنهادی دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح روز یکشنبه هفته آینده، ۲۶ مهر ۱۴۰۵ برگزار خواهد شد.

گفتنی است که بر اساسا مواد ۲۰۲ تا ۲۰۵ آیین‌نامه داخلی مجلس و اصول ۸۷ و ۱۳۳ قانون اساسی، ضروری است بررسی شود که تشریفات قانونی مربوط به معرفی وزیر، گزارش کمیسیون، بحث درباره صلاحیت و رأی‌گیری در آن رعایت می‌شود یا خیر. بنابراین اگر تشریفات الزامی ماده ۲۰۴ رعایت نشود، قانونی بودن فرایند رأی اعتماد محل ایراد خواهد بود. با توجه به همین موضوع این پرسش مطرح می‌شود که آیا این نشست، صرفاً جلسه‌ای برای تبادل نظر و استماع برنامه‌ها بوده یا قرار بوده جایگزین بخشی از تشریفات قانونی بررسی صلاحیت وزیر در مجلس شود؟ بر اساس ماده ۲۰۳-«یک هفته پس از معرفی دولت، برای بحث و بررسی خط‌مشی و اصول کلی برنامه دولت و اتخاذ رأی اعتماد برای هیأت وزیران جلسات مجلس به‌طور متوالی تشکیل می‌گردد...». همچنین در ماده ۲۰۴ آمده است: «قبل از تشکیل اولین جلسه بررسی برنامه‌های دولت و اتخاذ رأی اعتماد هیأت وزیران، نمایندگان مخالف و موافق برنامه، خط‌مشی و اصول کلی و ترکیب هیأت وزیران و نیز نمایندگان مخالف و موافق هریک از وزیران به تفکیک برنامه و هر وزیر در برگه‌های جداگانه یاد دستگاه الکترونیک ثبت نام می‌نمایند.» خون‌های کودکان و مادرانی باشند که در سرزمین اسلامی ما در میناب و لامرد بر زمین ریختند.

سیاسی

سکه‌ها را به بیت‌المال برگردان!

اظهارات اخیر محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه دولت روحانی، بار دیگر موجی از انتقادات و مطالبات مردمی درباره عملکرد او و تبعات برجام به راه انداخته است؛ مطالبه‌ای که این بار در قالب کارزاری با عنوان «آقای ظریف! سکه‌های برجام را به بیت‌المال برگردانید!» دنبال می‌شود. این کارزار خودجوش مردمی روز دوشنبه ۲۰ مهرماه آغاز شد و شمار امضاکنندگان آن به حدود ۳۰ هزار نفر رسیده است. در ابتدای متن این کارزار، با اشاره حاشیه آفرینی‌های جدید ظریف و بازگشت او به کانون توجه افکار عمومی آمده است: «نام شما برای بخش بزرگی از مردم، یادآور فرجام خسارت‌بار برجام، دریافت نشان درجه یک لیاقت و مدیریت و در نهایت سکه‌هایی است که بابت آن توافق نافرجام به‌عنوان پاداش از رئیس‌جمهور وقت دریافت کردید!»

گفتنی است که مطالبه اصلی این کارزار، بازگرداندن سکه‌هایی است که به‌عنوان پاداش برجام به مسئولان وقت اعطا شده‌اند؛ مطالبه‌ای که با تأکید بر ضرورت پاسخگویی در قبال پیامدهای این توافق مطرح شده است. در بخش دیگری از متن کارزار، خطاب به ظریف آمده است: «اگر پاسخگویی جامع در قبال هزینه‌های تحمیل‌شده دشوار است، دست‌کم انتظار می‌رود به حکم انصاف و اخلاق، پاداشی را که بابت توافقی با این فرجام دریافت کرده‌اید به بیت‌المال بازگردانید. شایسته نیست مجموعه‌ای از افراد ۷۵۰ سکه از سرمایه عمومی کشور دریافت کنند، در حالی که تبعات ناشی از آن تصمیمات هنوز بر معیشت جامعه سنگینی می‌کند. حداقل برای امور عام‌المنفعه، ساخت پادمان مدرسه میناب یا درمان بیماران لامرد، آن ۷۵۰ سکه اهدایی را مسترد نمایید؛ سکه‌هایی که سهم شخص شما از آن ۱۰۰ سکه بوده و ارزش روز آن به ده‌ها میلیارد تومان می‌رسد.»





روایت آزادسازی پول های بلوکه شده، با وجود دولت روحانی!



مهدی مجاهد معاون پیگیری های ویژه رئیس جمهور در دولت شهید رئیسی در برنامه ای تلویزیونی، روایتی کمتر گفته شده از ماجرای آزادسازی ۱۰۷ میلیارد دلار از دارایی های ایران توسط آمریکا در دوره

مذاکرات هسته ای را بیان کرد. مجاهد در این سخنان گفت که ایستادگی سپاه پاسداران و دستگاه قضایی در پرونده جیسون رضاییان، زمینه طرح مطالبات ایران در مذاکرات تبادل را فراهم کرد که این مطالبات شامل آزادی شماری از ایرانیان تحت تعقیب آمریکا، رفع محدودیت های برخی دیگر و بازپس گیری ۱۰۷ میلیارد دلار از اموال ایران می شد. به گفته مجاهد، برخی مقامات و دیپلمات های وقت، مخالف اصرار ایران بر شروط آزادی جاسوس ها به خاطر برهم خوردن فضای مذاکرات بودند اما در نهایت پافشاری سپاه پاسداران و تاکید رهبر شهید انقلاب، منجر به آزادسازی پول های بلوکه شده ایران شد. در واکنش به این موضع، حسام آشنا مشاور حسن روحانی در توییته مدعی شد:

برخی امور مستندتر از آن است که بتوان با جابه جایی نقش ها گاندومالش کرد! پرونده ای را نهادی تشکیل داد، ولی راهبری مذاکره و مدیریت مبادله با نهاد های دیگر بود. وصول مطالبات حاصل تلاش یک کارشناس مالی بود. اختلاف نهادها پنهان نیست. دفاع از یک نهاد، مجوز مصادره دستاورد دیگران نیست. در پاسخ به توییته آشنا اما مجاهد نوشت: آقایان روحانی و ظریف با وجود گذشت ۱۱ سال، صراحتاً اعلام نمایند: ۱- آن فرد محکوم را جاسوس می دانند و می دانستند یا خیر؟ ۲- آن مبلغ ۷/۱ میلیارد دلار در ازای چه چیزی آزاد شد؟ ۳- اگر بازپس گیری پول ایران محصول برجام بود، چرا بقیه پول ها از راه مشابه آزاد نشد؟»

با وجود گذشت دو سال از دولت چهاردهم و انتظار مردم برای عمل به وعده ها، پزشکيان همچنان به انتقاد از رویه های اداری و اجرایی مشغول است

مخاطب باید ها، همچنان از وضعیت کشور انتقاد می کند

دو سال از عمر دولت چهاردهم می گذرد. با وجود تحمیل دو جنگ بر کشور که خود می تواند متاثر از رویکردها و عملکردهای دولت قلمداد شود، انتظار مردم از رئیس دولت، عمل به وعده های انتخاباتی است. پزشکيان در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۴۰۳ را ژستی منتقد وارد عرصه انتخابات شد و تقریباً تمامی روندهای اجرایی را زیر ضرب برد. از سیاست خارجی تا گرانی ها و قیمت و کیفیت خودرو. اینک و در پی ۲۶ ماه ریاست جمهوری، او به جای توضیح عملکرد خود، همچنان در حال انتقاد از مسائل اداری و اجرایی است.

امین مهاجر

روزنامه نگار

شرکت هایی است که در اختیار ما قرار دارند و در حال زیان دهی هستند. اداره چنین شرکت هایی و مواجهه با زیان های چند میلیاردی و چند هزار میلیاردی، مسئله ای جدی است. این

پرسش مطرح است افرادی که مدیریت آن را بر عهده دارند، پاداش ها و دریافتی های فوق العاده ای در حد چند صد میلیون یا حتی چند صد میلیارد تومان در سال دریافت کنند؟

رئیس دولت همچنین وضعیت پرداخت حقوق را مورد اشاره قرار داد و گفت: در بعضی شرکت ها کسانی که کمتر کار می کنند و کسانی که بیشتر کار می کنند حقوق یکسان می گیرند؛ حتی بعضاً کسانی که کمتر کار می کنند حقوق بیشتری می گیرند!

انتقاد به جای کارنامه

انتقادات دامنه دار رئیس دولت از چالش هایی که او و دولتش وظیفه حل آنان را داشته اند، بیش از هر چیز مسئولیت ناپذیری شخص مسئول را به نمایش می گذارد. دو سال پس از ریاست جمهوری، انتظار مردم آن است که رئیس جمهور از میزان پیشرفت برنامه ها و عمل به وعده های انتخاباتی گزارش دهد نه اینکه همچون اپوزیسیون دولت، کاستی های زیرمجموعه خود را تکرار کند.



به نظر می رسد بی برنامه گی رئیس دولت برای مواجهه با چالش های متعدد کشور که در گزارش روز گذشته نوبنیاد مورد اشاره قرار گرفت، سهمی قابل توجه در عدم رسیدن پزشکيان به راه حل مشکلات و در عوض بیان مکرر و ملال آور چالش های اداری و اجرایی توسط او برای مردم داشته است.

قائم پناه: پزشکيان می گوید به من بگویند چه کار کنم!

معاون اجرایی رئیس جمهور در جریان سفر به آذربایجان شرقی گفت: آقای پزشکيان می گویند به من بگویند چه کار کنم. این درخواست به معنای آن نیست که وی نمی دانند چه کاری باید انجام دهد یا توانایی اداره کشور را ندارد! برخی اوقات در فضای مجازی بحث هایی مطرح می شود مبنی بر اینکه پزشکيان می گویند دانشگاهیان بیایند و به من کمک کنند؛ در حالی که او انسانی دانا است و به اندازه توان خود می تواند کارها را پیش ببرد. درخواست ایشان این است که دانشگاهیان نیز به کمک دولت بیایند.

خبر کوتاه

شهادت نیروی فراجا و فرمانده بسیج حوزه خواهران مهرستان

روز گذشته، یکی از ماموران پلیس در پی حمله مسلحانه به خودروی پلیس در شهرستان مهرستان سیستان و بلوچستان و پس از انتقال به بیمارستان، بر اثر شدت جراحات وارده به شهادت رسید. مهاجمان مسلح به خودروی پلیس حمله کردند، اما ماموران انتظامی در برابر این حمله ایستادگی کرده و با مهاجمان درگیر شدند. در جریان این درگیری، نیروهای انتظامی در برابر مهاجمان مقاومت کردند و در نهایت، مهاجمان مسلح مجبور به فرار از صحنه درگیری شدند. یکی از ماموران فراجا که در جریان این حمله مجروح شده بود، برای دریافت خدمات درمانی به بیمارستان انتقال یافت، اما شدت جراحات وارده به وی منجر به شهادتش شد. همچنین در اقدام تروریستی دیگر در مهرستان، پاسدار شهیده «افسانه عقیلا» -فرمانده حوزه خواهران شهیده افضل مهرستان- به دست عوامل جنایتکار گروهک های تروریستی مزدور دشمن به فیض عظیم شهادت نائل آمد.

تروریست وابسته به دشمن آمریکایی - صهیونیستی اعدام شد

روز گذشته، حکم اعدام علی سینا مصطفوی، از عناصر مسلح دشمن آمریکایی - صهیونیستی وابسته به جریان سلطنت طلبی، که همزمان با تجاوز دشمن به کشور در جریان جنگ رمضان اقدام به عملیات مسلحانه در کرمان کرده بود، اجرا شد. محاربه به قصد ایجاد رعب و وحشت، شروع به قتل، ایراد صدمه بدنی عمدی از طریق تیراندازی، قدرت نمایی با سلاح گرم، ساخت و نگهداری مواد منفجره، کشیدن سلاح به قصد جان مردم و ترساندن آنان و ارتباط با رسانه های معاند وابسته به رژیم صهیونیستی، از جمله اتهامات نامبرده بود که در دادگاه مورد رسیدگی قرار گرفت. در نهایت، با رد فرجام خواهی متهم و تأیید حکم دادگاه از سوی قضات دیوان عالی کشور، حکم اعدام علی سینا مصطفوی، عامل دشمن در جنگ رمضان و تروریست مسلح وابسته به جریان سلطنت طلبی، صبح روز گذشته اجرا شد.

کشتی متخلف در تنگه هرمز غرق شد

روز گذشته، روابط عمومی نیروی دریایی سپاه اعلام کرد: یک فروند کشتی کانتینربر متخلف با ۲۵۰۰ کانتینر در آب های جنوبی تنگه هرمز غرق شد. روابط عمومی نیروی دریایی سپاه همچنین اعلام کرد: این کشتی که قصد عبور از مسیر غیرمجاز و پرخطر تنگه هرمز را داشت، با اصابت به یک فروند مین دریایی منفجرود چار آتش سوزی شدید شد. این کشتی حامل بیش از ۲۵۰۰ کانتینر بود که صبح امروز بر اثر شدت آتش سوزی در آب های جنوبی تنگه هرمز غرق شد. نیروی دریایی سپاه هشدار داد که شناورهای بومی و صیادان برای تردد در این مسیر نهایت ایمنی را رعایت کنند تا با کانتینرهای شناور بر روی آب برخورد نکنند.

تشکیل پرونده قضایی برای بلاگر هتاک اینستاگرامی

روز گذشته، در پی انتشار محتوای توهین آمیز و هتاکانه از سوی یک بلاگر اینستاگرامی، با ورود دادسرای تهران برای نامبرده پرونده قضایی تشکیل و برخورد مقتضی صورت گرفت. این بلاگر اینستاگرامی در فضای مجازی، اقدام به تولید محتوای هتاکانه و توهین آمیز کرده بود.

بلا تکلیفی قیمت گندم بر سر اختلاف دولت و کشاورزان



رئیس بنیاد ملی گندمکاران، از ادامه اختلاف دولت و بخش کشاورزی بر سر تعیین نرخ خرید تضمینی گندم خبر داد و گفت: در حالی که سازمان برنامه و بودجه و وزارت امور اقتصادی و دارایی بر قیمت ۶۰ هزار تومان برای هر کیلوگرم گندم اصرار دارند، بخش کشاورزی با استناد به بررسی های کارشناسی و هزینه های واقعی تولید، نرخ ۸۵ هزار تومان را پیشنهاد کرده است.

عطا هاشمی با اشاره به بی نتیجه ماندن جلسات شورای قیمت گذاری و اتخاذ سیاست های حمایتی محصولات اساسی کشاورزی اظهار کرد: نرخ پیشنهادی بخش کشاورزی بر اساس اطلاعات مرکز پژوهش های اقتصادی وزارت جهاد کشاورزی، داده های استان ها، هزینه های تولید، تورم و بررسی های میدانی تعیین شده است. برآوردها

هزینه هر کیلوگرم گندم وارداتی به بیش از ۹۰ هزار تومان می رسد؛ رقمی که از نرخ پیشنهادی کشاورزان برای خرید تضمینی گندم داخلی نیز بیشتر است. وی همچنین از باقی ماندن حدود ۳۰ هزار میلیارد تومان از مطالبات گندمکاران خبر داد و تأکید کرد: تعیین تکلیف بدهی های قبلی و پیش بینی سازوکار پرداخت به موقع مطالبات باید در کنار تعیین نرخ جدید مورد توجه قرار گیرد. رئیس بنیاد ملی گندمکاران هشدار داد که تعیین نرخ نامتناسب با هزینه های تولید می تواند کشاورزان را به سمت کشت محصولات دیگر سوق دهد و اشاره به نیاز گندم رادر سال آینده کاهش دهد. وی با اشاره به نیاز برآوردی کشور به واردات ۴ تا ۵ میلیون تن گندم، تعیین قیمت اقتصادی و پرداخت به موقع مطالبات را از الزامات حفظ تولید داخلی دانست.

نشان می دهد که با قیمتی کمتر از ۸۵ هزار تومان، حتی حاشیه سود ۲۰ درصدی پیش بینی شده برای کشاورزان نیز کاهش می یابد. او با انتقاد از استناد دولت به محدودیت منابع مالی برای تعیین نرخ پایین تر گفت: اگر دولت اعتبار کافی در اختیار ندارد، می تواند متناسب با منابع خود خرید انجام دهد، اما کمبود اعتبار نباید به کاهش قیمت محصول کشاورزی منجر شود. به گفته هاشمی، مبنای تعیین نرخ خرید تضمینی باید هزینه های واقعی تولید و حفظ صرفه اقتصادی کشت باشد، نه صرفاً میزان اعتبارات در دسترس دولت. رئیس بنیاد ملی گندمکاران با اشاره به هزینه واردات این محصول افزود: در جلسه شورای قیمت گذاری، اطلاعات مربوط به واردات ۲۵۰ هزار تن گندم با هزینه ۳۵۵ دلار برای هر تن ارائه شد. با محاسبه این رقم بر مبنای دلار ۲۶۰ هزار تومانی،

آمارهای بانک مرکزی نشان می دهد؛

۳۹۴ همت منابع بانکی در دست ۲۰ بدهکار بزرگ

تأمین سرمایه در گردش به یکی از مهم ترین چالش های بنگاه های تولیدی کشور تبدیل شده و بسیاری از واحدهای کوچک و متوسط برای دریافت تسهیلات با محدودیت مواجه اند، اما آمار تسهیلات کلان غیرجاری بانک ها از تمرکز قابل توجه مطالبات در بخش محدودی از شرکت ها حکایت دارد. بر اساس آمار بانک مرکزی، خالص تسهیلات غیرجاری ۲۰ ذی نفع بزرگ معرفی شده در بانک ها و مؤسسات اعتباری به حدود ۳۹۴ هزار میلیارد تومان رسیده است.

سیاست های اعتباری نیز در این زمینه نقش دارند. با این حال، در شرایطی که تولیدکنندگان کوچک برای تأمین سرمایه در گردش با سخت گیری و محدودیت مواجه اند، تمرکز مطالبات غیرجاری در چند مشتری بزرگ، پرسشی جدی درباره اولویت بندی منابع بانکی ایجاد می کند: آیا پیگیری و وصول مطالبات کلان با همان جدیتی دنبال می شود که هنگام بررسی درخواست تسهیلات بنگاه های کوچک به کار گرفته می شود؟ این پرسش زمانی مهم تر می شود که منابع بانکی نقش تعیین کننده ای در تأمین مواد اولیه، پرداخت دستمزد، حفظ اشتغال و استمرار فعالیت واحدهای تولیدی دارند. اگر بخشی از منابع در پرونده های بزرگ و غیرجاری گرفتار بماند، هزینه تأمین مالی و فشار بر سایر متقاضیان اعتبار می تواند افزایش یابد؛ هر چند میزان این اثر باید با اطلاعات مالی هر بانک سنجیده شود.

موضوع اشخاص مرتبط با بانک ها نیز یکی از محورهای مهم نظارت بر تسهیلات کلان است. اعطای اعتبار به اشخاصی که به واسطه مالکیت، مدیریت یا روابط کنترلی با بانک ارتباط دارند، به دلیل احتمال تعارض منافع، نیازمند رعایت ضوابط احتیاطی و نظارت ویژه است. از همین رو، وضعیت میدکو در بانک پاسارگاد و گروه توسعه اقتصاد ملل در مؤسسه اعتباری ملل از جمله مواردی است که بررسی ساختار مالکیت و مدیریت آن ها می تواند به شفافیت بیشتر کمک کند. البته صرف درج نام یک شرکت در فهرست تسهیلات غیرجاری، رابطه اشخاص مرتبط با نقض مقررات را اثبات نمی کند. تشخیص این موضوع مستلزم بررسی اطلاعات مالکیت، کنترل و مدیریت در دوره مربوط و تطبیق آن با مقررات بانک مرکزی است. با این حال، نهاد ناظر باید مشخص کند چه ضوابطی درباره تسهیلات این اشخاص اعمال شده، حدود اعتباری چگونه رعایت شده و چه تضمین هایی برای حفاظت از منابع بانک ها در اختیار بوده است.

مسئله بدهکاران بزرگ بانکی صرفاً به نام شرکت ها و رقم بدهی آن ها محدود نمی شود؛ موضوع اصلی، نحوه حفاظت از منابع سپرده گذاران و کارآمدی نظام تخصیص اعتبار است. در شرایطی که واحدهای تولیدی برای تأمین سرمایه در گردش به منابع بانکی نیاز دارند، تعیین تکلیف مطالبات کلان غیرجاری باید در اولویت نظارت بانکی قرار گیرد. منابع بانکی زمانی می توانند نقش مؤثرتری در رشد تولید و حفظ اشتغال ایفا کنند که وصول مطالبات، مدیریت ریسک و تخصیص عادلانه تر اعتبار، در کنار یکدیگر دنبال شوند. انتشار آمار تسهیلات کلان غیرجاری می تواند گامی در مسیر شفافیت شبکه بانکی باشد، اما شفافیت زمانی ارزش عملی پیدا می کند که به پیگیری، نظارت و تعیین تکلیف پرونده ها منجر شود. آمارهای منتشر شده نشان می دهد ۲۰ ذی نفع معرفی شده حدود ۳۹۴ همت خالص تسهیلات غیرجاری دارند.



نیماسهیلی

روزنامه نگار

بررسی فهرست بانک مرکزی نشان می دهد پنج ذی نفع نخست، شامل میدکو، سرمایه گذاری اهداف، صنایع پتروشیمی خلیج فارس، شرکت معدنی و صنعتی گل گهر و گروه عظام، در مجموع حدود ۳۰۳ هزار و ۸۰۰ میلیارد تومان تسهیلات غیرجاری دارند. این رقم معادل حدود ۷۷ درصد کل مطالبات غیرجاری ثبت شده برای ۲۰ ذی نفع مورد بررسی است. به بیان دیگر، نزدیک به ۸۰ درصد مجموع رقم اعلام شده در اختیار پنج گروه اقتصادی قرار دارد و سهم سایر ذی نفعان از این فهرست به حدود یک پنجم می رسد. این ترکیب، اهمیت تمرکز اعتباری در شبکه بانکی را نشان می دهد. بررسی مطالبات غیرجاری نباید صرفاً به شمارش بدهکاران محدود شود؛ بلکه میزان تمرکز مطالبات در مشتریان بزرگ، ارتباط احتمالی آن ها با بانک ها و آثار این تمرکز بر ترانزاکشن مؤسسات اعتباری نیز باید مورد توجه قرار گیرد.

شرکت مادر تخصصی توسعه معادن و صنایع معدنی خاورمیانه (میدکو) با حدود ۱۳۴ هزار و ۲۰۰ میلیارد تومان خالص تسهیلات غیرجاری در بانک پاسارگاد، در صدر ذی نفعان معرفی شده قرار دارد. این رقم به تنهایی حدود ۳۴ درصد از مجموع ۳۹۴ همت مطالبات غیرجاری را تشکیل می دهد. به این ترتیب، بیش از یک سوم رقم اعلام شده برای ۲۰ ذی نفع، به یک شرکت و مطالبات ثبت شده آن در یک بانک اختصاص دارد. با این حال مشخص نیست چه میزان از این مطالبات در سررسید گذشته، معوق یا مشکوک الوصول قرار دارد و چه برنامه ای برای بازگشت منابع به چرخه اعتباری بانک در نظر گرفته شده است. موضوع عرصه سابقه روابط سهامداری میدکو با شرکت های وابسته به مجموعه مالی پاسارگاد است. این ارتباط، بررسی وضعیت شرکت از منظر مقررات مربوط به اشخاص مرتبط با بانک ها را ضروری می کند. اگر بر اساس ساختار مالکیت و کنترل شرکت در دوره مورد گزارش، میدکو مشمول تعریف اشخاص مرتبط با بانک پاسارگاد باشد، رعایت حدود اعتباری، ضوابط اعطای تسهیلات و کفایت تضامین باید به طور ویژه بررسی شود. با این حال، تشخیص قطعی این موضوع به اطلاعات رسمی مالکیت و کنترل شرکت و ضوابط مورد استناد بانک مرکزی نیاز دارد و صرف وجود ارتباط تاریخی، برای نتیجه گیری کافی نیست.

سرمایه گذاری اهداف: ۸۸.۵ همت در بانک اقتصاد نوین

در جایگاه دوم شرکت سرمایه گذاری اهداف با حدود ۸۸ هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان خالص تسهیلات غیرجاری در بانک اقتصاد نوین قرار دارد. مجموع مطالبات غیرجاری ثبت شده برای این شرکت و میدکو به حدود ۲۲۲ هزار و

۷۰۰ میلیارد تومان می رسد؛ رقمی که بیش از نیمی از کل مطالبات ۲۰ ذی نفع معرفی شده را شامل می شود. این آمار نشان می دهد که وضعیت اعتباری تعداد محدودی از مشتریان بزرگ می تواند اهمیت زیادی در ارزیابی کیفیت دارایی های شبکه بانکی داشته باشد. در شرایطی که بانک ها باید منابع لازم برای تأمین مالی تولید، تجارت و سرمایه در گردش بنگاه ها را فراهم کنند، تعیین تکلیف مطالبات کلان غیرجاری یکی از موضوعات مهم در مدیریت منابع و کنترل ریسک اعتباری است.

پتروشیمی خلیج فارس، کل گهر و مپنا در فهرست بدهکاران

در میان دیگر نام های شاخص این فهرست، شرکت صنایع پتروشیمی خلیج فارس قرار دارد که بر اساس اطلاعات ارائه شده، ۳۰۸ همت تسهیلات غیرجاری در بانک توسعه صادرات و ۲۰۱ همت در بانک رفاه کارگران برای آن ثبت شده است. مجموع این دو رقم به ۳۲۰۹ همت می رسد. همچنین شرکت معدنی و صنعتی گل گهر با حدود ۲۹۰۱۷ همت تسهیلات غیرجاری در بانک تجارت و گروه عظام با ۲۱۰۱ همت در بانک مسکن در این فهرست دیده می شوند. گروه مپنا نیز با حدود ۱۹۰۳ همت تسهیلات غیرجاری در بانک پارسیان، یکی دیگر از ذی نفعان بزرگ معرفی شده است. حضور این شرکت ها در فهرست مطالبات غیرجاری، ضرورت بررسی دقیق وضعیت بازپرداخت تسهیلات و نحوه مدیریت پرونده های اعتباری را افزایش می دهد. با این حال، برای ارزیابی منصفانه وضعیت هر شرکت باید میان مبلغ ثبت شده، ماهیت قرارداد تسهیلات، سررسید بدهی، وضعیت وثائق و اقدامات انجام شده برای وصول مطالبات تفاوت قائل شد. همچنین، ثبت تسهیلات غیرجاری لزوماً به معنای اثبات تخلف یا ناتوانی قطعی بدهکار در بازپرداخت نیست؛ اما ارقام بزرگ، توضیح روشن و مستند از سوی بانک و نظارت مؤثر نهاد ناظر را ضروری می کند.

منابعی که باید به چرخه تولید بازگردند

یکی از مهم ترین پرسش ها درباره این آمار، ارتباط میان مطالبات غیرجاری و دشواری تأمین مالی بنگاه های کوچک و متوسط است. در اقتصاد ایران که بخش مهمی از تأمین مالی بنگاه ها از طریق شبکه بانکی انجام می شود، کیفیت دارایی های بانک ها بر توان آنها برای پرداخت تسهیلات جدید اثر می گذارد. منابعی که به مطالبات غیرجاری تبدیل می شوند، ممکن است با تأخیر به چرخه اعتباری بازگردند و هزینه مدیریت ریسک و ذخیره گیری را افزایش دهند. البته نمی توان تمام محدودیت های تسهیلات دهی بانک ها به تولید را صرفاً به مطالبات غیرجاری نسبت داد؛ وضعیت سرمایه بانک ها، ناترازی، رشد نقدینگی، هزینه تجهیز منابع و

موج خبر

افزایش نرخ ارز رسمی؛ هزینه ای که مردم می پردازند

نرخ ارز در مرکز مبادله ارز و طلای ایران همچنان روندی افزایشی دارد؛ به طوری که نرخ هر دلار دیروز (چهارشنبه ۲۲ مهر ۱۴۰۵) با ۵۰۰ تومان افزایش به ۱۸۰ هزار و ۵۵۶ تومان رسید. بررسی قیمت ها نشان می دهد نرخ حواله دلار از ۹ مهرماه تاکنون بیش از ۵۸۰۰ تومان افزایش یافته است؛ روندی که نگرانی ها درباره تبعات آن برای تولید و قیمت کالاها را افزایش می دهد.

افزایش نرخ رسمی ارز می تواند هزینه تأمین مواد اولیه، قطعات و کالاهای واسطه ای وارداتی را بالا ببرد و در نهایت فشار بیشتری به تولیدکنندگان و مصرف کنندگان وارد کند. هر چند اثر افزایش نرخ ارز بر قیمت کالاها به عواملی مانند موجودی انبار، سهم مواد اولیه وارداتی و شرایط بازار بستگی دارد، تداوم رشد نرخ ارز می تواند انتظارات تورمی را نیز تقویت کند. عبدالناصر همتی، رئیس کل بانک مرکزی، پیش تر از میانگین معاملات روزانه حدود ۱۹۵ میلیون دلار در مرکز مبادله خبر داده و بر ادامه عرضه ارز تأکید کرده بود.

او همچنین تعدیل نرخ حواله متناسب با تورم و تأثیر انتظارات تورمی را از عوامل مؤثر بر تغییرات نرخ ارز عنوان کرده بود. با این حال، افزایش مستمر نرخ حواله این پرسش را مطرح می کند که با وجود ادامه عرضه ارز و انجام معاملات قابل توجه، چرا قیمت ها همچنان بالا می روند؟ اعلام حجم معاملات به تنهایی برای پاسخ به این پرسش کافی نیست و باید مشخص شود چه میزان از تقاضای ارزی تأمین شده و چه تعداد درخواست همچنان در انتظار تخصیص قرار دارد. بانک مرکزی برای مدیریت شرایط موجود باید اطلاعات روشن تری از وضعیت عرضه و تقاضا، درخواست های تأمین نشده و زمان انتظار واردکنندگان منتشر کند. اگر مشکل اصلی به تأخیر در تخصیص ارز مربوط باشد، اصلاح فرآیندها و رفع موانع اداری می تواند بخشی از فشار وارد شده به تولیدکنندگان را کاهش دهد.

در این میان، همکاری بانک مرکزی با وزارت صنعت، معدن و تجارت برای شناسایی درخواست های معوق و تسریع در تأمین ارز مواد اولیه و قطعات مورد نیاز واحدهای تولیدی اهمیت دارد؛ البته اولویت بندی نیازهای تولیدی باید با در نظر گرفتن سایر نیازهای ضروری وارداتی و بر اساس معیارهای مشخص انجام شود.

اگر سیاست بانک مرکزی تعدیل نرخ حواله متناسب با تورم است، لازم است منطق و مسیر اجرای آن به روشنی اعلام شود. افزایش های پی در پی بدون اطلاع رسانی کافی، برنامه ریزی واردکنندگان و تولیدکنندگان را دشوار می کند و ممکن است انتظارات افزایشی را تشدید کند. در مقابل، تثبیت دستوری نرخ ارز نیز بدون توجه به شرایط واقعی عرضه و تقاضا راه حل پایداری نیست.

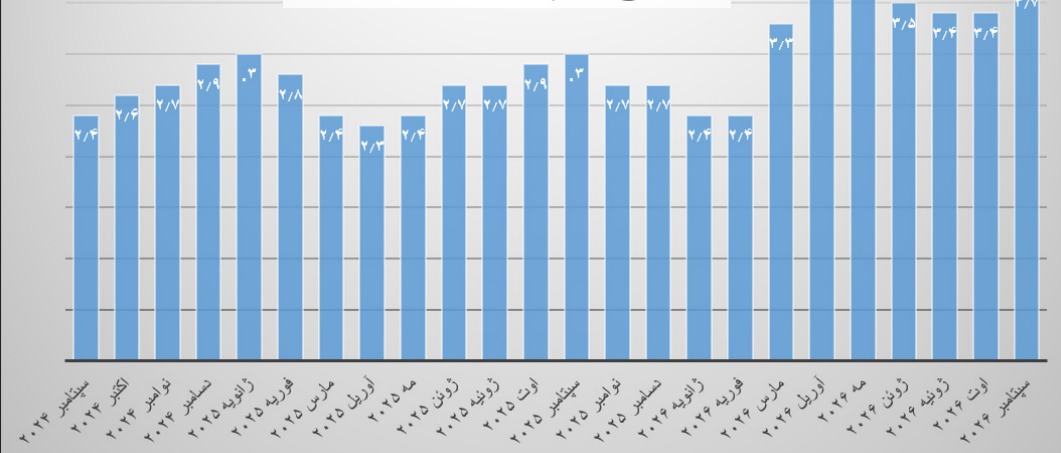
تورم آمریکا دوباره اوج گرفت؛

هزینه ۲۰۴۰ دلاری جنگ برای خانوار آمریکایی

اقتصاد جهان در حالی با افزایش قیمت نفت و اختلال در عرضه روبه‌روست که تازه‌ترین آمارها از بازگشت تورم آمریکا به مسیر صعودی حکایت دارد. با این حال، قیمت نفت برنت در محدوده ۱۰۶ دلار قرار گرفت و تورم سالانه آمریکا در سپتامبر به ۳.۷ درصد رسید. گزارش مؤسسه مودیز آنالیتیکس نیز نشان می‌دهد جنگ ایران از اواخر فوریه تاکنون حدود ۲۶۵ میلیارد دلار

هزینه اضافی به اقتصاد خانوارهای آمریکایی تحمیل کرده است؛ رقمی که برای هر خانوار به ۲۰۴۰ دلار می‌رسد. در شرایطی که دولت دونالد ترامپ با پیامدهای اقتصادی جنگ مواجه است، خانوارهای آمریکایی هزینه بیشتری برای بنزین و گازوئیل می‌پردازند. هم‌زمان، افزایش تورم و نرخ سود اوراق قرضه، چشم‌انداز سیاست پولی آمریکا را پیچیده‌تر کرده است.

روند نرخ تورم سالانه آمریکا (درصد)



هادی هدایت زاده

روزنامه‌نگار

نخواهد بود.

بازگشت تورم آمریکا به ۳.۷ درصد

هم‌زمان با افزایش قیمت انرژی، اداره آمار کار آمریکا روز گذشته اعلام کرد شاخص قیمت مصرف‌کننده در سپتامبر ۲۰۲۶ (ماه گذشته) نسبت به ماه پیش از آن ۰.۶ درصد افزایش یافته است؛ در حالی که این رقم در اوت ۰.۴ درصد بود. براساس این گزارش، نرخ تورم سالانه آمریکا در سپتامبر ۲۰۲۶ به ۳.۷ درصد رسید که از پیش‌بینی ۳.۶ درصدی بازار فراتر رفت. تورم سالانه آمریکا در ماه اوت (اگوست) ۳.۴ درصد بود. این آمار نشان می‌دهد فشار تورمی در اقتصاد آمریکا دوباره تشدید شده است. افزایش قیمت انرژی، به‌ویژه رشد ۳۴.۲ درصدی قیمت بنزین و افزایش ۷۴.۲ درصدی قیمت نفت سفید، عامل اصلی این شتاب بوده است؛ موضوعی که با افزایش هزینه سوخت بر مخارج خانوارها و هزینه حمل‌ونقل نیز اثر گذاشته است. براساس گزارش اداره آمار کار آمریکا، قیمت بنزین در سپتامبر ۲۰۲۶ (شهریور و اوایل مهر ۱۴۰۵) نسبت به ماه پیش از آن ۹.۱ درصد افزایش یافت و بیش از نیمی از رشد تورم را رقم زد. شاخص کل انرژی نیز در همین ماه ۵.۲ درصد بالا رفت. تورم سالانه مواد غذایی ۲.۵ درصد ثبت شد. تورم هسته (بدون احتساب غذا و انرژی) نیز برخلاف انتظار کاهش نیافت و در سپتامبر، ۰.۳ درصد نسبت به ماه پیش از آن ۲.۶ درصد نسبت به سال گذشته افزایش یافت. نرخ سالانه هسته در اوت ۲.۴ درصد بود. هزینه مسکن نیز در سپتامبر ۰.۴ درصد نسبت به ماه پیش افزایش یافت و رشد سالانه آن به ۳.۲ درصد رسید. افزایش تورم آمریکا در شرایطی رخ داده که قیمت جهانی نفت نیز در پی نگرانی‌ها درباره عرضه و امنیت مسیرهای کشتیرانی خاورمیانه افزایش یافته است. این ارقام نشان می‌دهد افزایش قیمت انرژی به یکی از مهم‌ترین عوامل فشار بر هزینه زندگی در آمریکا تبدیل شده است. بنزین مستقیماً در هزینه رفت‌وآمد خانوارها اثر می‌گذارد و گازوئیل نیز از طریق حمل‌ونقل جاده‌ای، هزینه جابه‌جایی کالاها را بالا می‌برد. افزایش قیمت سوخت هواپیما و انرژی گرمایشی نیز می‌تواند هزینه سفر و تأمین انرژی خانه‌ها را افزایش دهد.

بازده اوراق قرضه بالا رفت

انتشار آمار تورم بالاتر از انتظار، بازار اوراق قرضه آمریکا را نیز تحت تأثیر قرار داد. بازده اوراق خزانه‌داری دوساله به حدود ۴.۹ درصد رسید و بازده اوراق ۱۰ساله با افزایش ۹ واحدی از ۵.۳ درصد عبور کرد. بازده اوراق ۳۰ساله نیز در محدوده ۵.۶ درصد قرار گرفت. این ارقام نشان می‌دهد سرمایه‌گذاران

نبض اقتصاد

جهش ۲۴ دلاری سبد نفتی اوپک

افزایش قیمت نفت اعضای اوپک در سپتامبر (شهریور و مهر)، هم‌زمان با اختلال در عرضه و تشدید تنش‌ها، درآمد بالقوه کشورهای تولیدکننده را افزایش داده است؛ با این حال، رشد قیمت‌ها به معنای بازگشت کامل تولید و صادرات به شرایط عادی نیست. تازه‌ترین گزارش ماهانه دبیرخانه سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک) نشان می‌دهد میانگین قیمت سبد نفتی این سازمان در سپتامبر ۲۰۲۶ با افزایش ۲۴ دلار و ۱۵ سنتی نسبت به ماه اوت، به ۱۱۰ دلار و ۵۹ سنت برای هر بشکه رسیده است؛ افزایشی نزدیک به ۲۸ درصد که اهمیت اختلال‌های ژئوپلیتیک در بازار انرژی را نشان می‌دهد.

تازه‌ترین گزارش اوپک حکایت از آن دارد که ۱۱ عضو این سازمان براساس داده‌های منابع ثانویه در ماه سپتامبر (شهریور - مهر) ۲۱ میلیون و ۱۸۰ هزار بشکه نفت تولید کردند که ۸۳۴ هزار بشکه بیشتر از رقم ۲۰ میلیون و ۳۴۶ هزار بشکه در ماه اوت است. این افزایش تولید نشان می‌دهد بخشی از عرضه از دست‌رفته یا محدود شده در ماه‌های قبل در سپتامبر جبران شده است؛ اما نباید آن را به معنای پایان اثر جنگ بر بازار نفت دانست. افزایش تولید برخی اعضا می‌تواند در کنار محدودیت صادرات، هزینه حمل‌ونقل و ریسک عبور نفتکش‌ها از مسیرهای حساس رخ دهد. از این رو، حجم تولید به‌تنهایی تصویر کاملی از میزان نفت قابل عرضه در بازار جهانی ارائه نمی‌کند.

عربستان سعودی با افزایش روزانه ۷۴۴ هزار بشکه‌ای تولید، بیشترین سهم را در رشد عرضه اوپک داشت و تولید خود را به حدود ۸ میلیون و یک هزار بشکه در روز رساند. براساس گزارش ماه اکتبر اوپک، پس از عربستان، عراق با افزایش ۳۸۶ هزار بشکه‌ای و با تولید روزانه ۳ میلیون و ۹۲۰ هزار بشکه قرار دارد و ایران با تولید روزانه یک میلیون و ۹۵۷ هزار بشکه، جایگاه سومین تولیدکننده این سازمان را به خود اختصاص داده است.

نفت ایران بالای ۱۰۵ دلار

طبق گزارش اوپک، نفت خام سنگین ایران با رشد ۲۴ دلار و ۵۹ سنتی نسبت به ماه اوت، به ۱۰۵ دلار و ۸۴ سنت در هر بشکه رسید. این رقم در ماه اوت ۸۱ دلار و ۲۵ سنت بود. میانگین قیمت نفت خام سنگین ایران از ابتدای سال ۲۰۲۶ تاکنون ۹۲ دلار و ۷۰ سنت بوده است؛ در حالی که قیمت نفت خام سنگین ایران در سال ۲۰۲۵ میانگین ۷۱ دلار و ۸۰ سنت را ثبت کرده بود. قیمت نفت سبک عربستان در سپتامبر به ۱۰۹ دلار و ۲ سنت رسید؛ در حالی که نفت بصره (متوسط عراق) ۱۰۸ دلار و ۹۳ سنت قیمت خورد. نفت صادراتی کویت نیز با قیمت ۱۰۸ دلار و ۹۹ سنت معامله شد. در میان نفت‌های شاخص اعضای اوپک، نفت «بانی لایت» نیجریه با ۱۱۸ دلار و ۹۵ سنت و نفت «صحار بلند» الجزایر با ۱۱۸ دلار و ۴۹ سنت از بالاترین قیمت‌ها برخوردار بودند.

اوپک در گزارش خود پیش‌بینی کرد تقاضای جهانی نفت در سال ۲۰۲۶ روزانه ۱۸۰ هزار بشکه افزایش یابد و به‌طور متوسط به حدود ۱۰۵ میلیون و ۷۲۰ هزار بشکه برسد؛ در حالی که این رقم نسبت به پیش‌بینی ماه سپتامبر ۲۰۰ هزار بشکه کاهش داشته است. این سازمان برای سال ۲۰۲۷ رشد روزانه ۲ میلیون و ۵۵۰ هزار بشکه‌ای تقاضا را پیش‌بینی کرده و انتظار دارد مصرف جهانی به حدود ۱۰۸ میلیون و ۲۸۰ هزار بشکه در روز برسد.

ترامپ زیر فشار هزینه‌های جنگ

برای دولت دونالد ترامپ، افزایش هزینه انرژی و بازگشت تورم به مسیر صعودی، چالشی اقتصادی و سیاسی به شمار می‌رود. وعده او برای کاهش هزینه‌های زندگی در شرایطی است که خانوارها با گرانی سوخت، افزایش هزینه اعتبار و فشارهای ناشی از تورم روبه‌رو هستند.

اکنون پیامدهای اقتصادی جنگ نیز به این مجموعه فشارها اضافه شده است. اگر قیمت نفت و فرآورده‌ها بالا

بماند، تورم

می‌تواند در

سطحی بالاتر

تثبیت شود و

فدرال رزرو (بانک

مرکزی آمریکا) را

برای مدت بیشتری

درگیر سیاست

پولی سخت‌گیرانه

نگه دارد. چنین

وضعیتی می‌تواند

سرمایه‌گذاری،

مصرف خانوار و

بازار مسکن را تحت

فشار قرار دهد.

هزینه جنگ برای هر خانوار آمریکایی

مهم‌ترین بخش پیامدهای اقتصادی جنگ ایران، هزینه‌ای است که از مسیرهای مختلف به خانوارهای آمریکایی تحمیل شده است. مارک زاندى، اقتصاددان ارشد مؤسسه مودیز آنالیتیکس، اعلام کرد که جنگ ایران از اواخر فوریه تا اکتبر ۲۰۲۶ حدود ۲۶۵ میلیارد دلار هزینه اضافی به مصرف‌کنندگان آمریکایی تحمیل کرده است؛ رقمی که به‌طور متوسط بیش از ۲۰۰۰ دلار برای هر خانوار آمریکایی برآورد می‌شود. به گفته او، حدود ۱۱۰۰ دلار از هزینه اضافی هر خانوار به افزایش قیمت انرژی مربوط می‌شود که جزئیات آن به این شرح است: بنزین ۵۶۱ دلار، گازوئیل ۴۵۷ دلار، افزایش هزینه‌های ناشی از نرخ بهره ۴۵۹ دلار، هزینه‌های نظامی ۳۸۳ دلار، و سوخت هواپیما و نفت گرمایشی ۱۷۹ دلار به‌ازای هر خانوار. زاندى اعلام کرد که این هزینه‌ها به‌طور متوسط هر هفته حدود ۵۰ دلار افزایش می‌یابد؛ روندی که فشار بر خانوارهای آمریکایی را تشدید می‌کند. بر اساس اظهارات او، میانگین قیمت هر گالن بنزین در آمریکا به ۴.۳۴ دلار رسیده است؛ در حالی که پیش از جنگ، ۲.۹۸ دلار بود. قیمت گازوئیل نیز از ۶ دلار در هر گالن عبور کرده است. زاندى با اشاره به وضعیت بازار انرژی گفت: «قیمت گازوئیل نیز به دلیل اختلال در تردد از تنگه هرمز همچنان نزدیک به سطوح بی‌سابقه قرار دارد.» این تحولات نشان می‌دهد اختلال در مسیرهای انتقال انرژی می‌تواند از طریق افزایش قیمت سوخت، هزینه‌های بیشتری را به مصرف‌کنندگان آمریکایی تحمیل کند.

یادداشت

پیام روشن

انتخابات روسیه به غرب

محسن پورادفر
روزنامه‌نگار

در شرایطی که کشورهای غربی با تحریم‌های گسترده، فشارهای اقتصادی و تلاش برای محدود کردن نفوذ روسیه، سیاست مهار مسکو را دنبال می‌کنند، نتیجه انتخابات اخیر دومای روسیه بار دیگر حزب حاکم را در موقعیتی مسلط قرار داد. حزب «روسیه متحد» به رهبری اردوگاه سیاسی ولادیمیر پوتین، براساس نتایج رسمی، ۳۴۹ کرسی از ۴۵۰ کرسی دومای دولتی را به دست آورد. این نتیجه را می‌توان نشانه‌ای از تداوم برتری سیاسی کرملین و ظرفیت آن برای پیشبرد سیاست‌های داخلی و خارجی خود دانست. هرچند میزان حمایت از سیاست تقابل با غرب را نمی‌توان صرفاً از آمار انتخابات استخراج کرد.

انتخابات روسیه در شرایطی برگزار شد که تقابل مسکو با آمریکا و اروپا، جنگ اوکراین و تحریم‌های اقتصادی، به بخش مهمی از معادلات سیاسی این کشور تبدیل شده است. در چنین فضایی، حفظ اکثریت قاطع پارلمانی برای حزب حاکم، صرفاً یک موفقیت انتخاباتی نیست؛ بلکه به کرملین امکان می‌دهد با پشتوانه‌ای گسترده‌تر در ساختار قانون‌گذاری، برنامه‌های سیاسی و اقتصادی خود را دنبال کند.

نکته مهم آن است که غرب طی سال‌های گذشته تلاش کرده با فشار اقتصادی، محدودیت‌های مالی و انزوای دیپلماتیک، هزینه سیاست‌های مستقل روسیه را افزایش دهد. با این حال، نتیجه رسمی انتخابات نشان می‌دهد این فشارها دست کم به تغییر ترکیب قدرت در دومای روسیه و کنار رفتن حزب حاکم منجر نشده است. از این منظر، مسکو می‌تواند نتیجه انتخابات را نشانه‌ای از تداوم انسجام سیاسی در شرایط تقابل خارجی معرفی کند.

اهمیت این موضوع زمانی بیشتر می‌شود که بدانیم انتخابات در روسیه تنها رقابت میان احزاب نیست، بلکه در چارچوب اختلافی گسترده‌تر بر سر نظم بین‌المللی، امنیت اروپا و حدود نفوذ آمریکا برگزار می‌شود. برای کرملین، حفظ اکثریت پارلمانی فرصتی است تا نشان دهد فشارهای خارجی نتوانسته‌اند ساختار سیاسی حاکم را از مسیر اعلام شده خود خارج کنند.

لذا حزب حاکم همچنان ابزارهای اصلی قدرت را در اختیار دارد و غرب، دست کم از مسیر انتخابات اخیر، نتوانسته است تغییر سیاسی مورد نظر خود را در مسکو رقم بزند. انتخابات دومای روسیه را می‌توان نشانه‌ای از تداوم قدرت روسیه کرملین در یکی از حساس‌ترین دوره‌های تقابل روسیه و غرب دانست. این نتیجه به مسکو امکان می‌دهد سیاست خارجی خود را با پشتوانه پارلمانی ادامه دهد و در برابر فشارهای غرب، بر استقلال تصمیم‌گیری تأکید کند. با این حال، میزان واقعی حمایت عمومی از تقابل با غرب، موضوعی است که باید در کنار نتایج انتخابات، با بررسی نظرسنجی‌ها و دیدگاه‌های جامعه روسیه ارزیابی شود.

احسان میرباقری
روزنامه‌نگارتوررو بمباران بی‌هزینه
بی‌هزینه در تهران

توررو بمباران بی‌هزینه
در تهران
مجری شبکه ۱۴
رژیم صهیونیستی
در برنامه‌ای گفت
که اسرائیل با توررو
رهبران، فرماندهان
و دانشمندان ایرانی،
هزینه متناسبی
نپرداخته و ایران
حتی از NPT خارج
نشده است. در همان
نقل قول، این وضعیت
به عنوان نشانه‌ای
از محدود بودن
هزینه‌های اقدام
علیه ایران توصیف
می‌شود. این به
راحتی نشان می‌دهد
که اگر طرف مقابل به
این جمع بندی برسد
که حمله به ایران با
هزینه‌ای قابل تحمل
همراه است، احتمال
تکرار چنین اقداماتی
افزایش می‌یابد.
بازدارندگی زمانی
معنا پیدا می‌کند که
محاسبات طرف مقابل
را تغییر دهد.

تجربه جنگ‌های تحمیلی دو سال اخیر، یک واقعیت تلخ را آشکار کرد. اینکه برخورداری از نظارت بین‌المللی، به خودی خود مانع حمله نظامی نمی‌شود. در خرداد ۱۴۰۴، رژیم صهیونیستی حمله به ایران و تأسیسات هسته‌ای آن را آغاز کرد و در ادامه، آمریکا تأسیسات فردو، نطنز و اصفهان را هدف قرار داد. آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نیز تأیید کرد که حملات به تأسیسات هسته‌ای ایران، مخاطرات ایمنی و امنیت هسته‌ای را افزایش داده است. پرسش اینجاست که اگر عضویت در NPT، پذیرش نظارت و همکاری با آژانس نتوانسته است مانع چنین حملاتی شود، چرا باید همان مسیر، بدون بازنگری و مطالبه تضمین‌های مؤثر، ادامه یابد؟ مگر قرار نبود آژانس از گسترش سلاح‌های هسته‌ای جلوگیری کند و در عین حال، استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای را برای اعضا امکان‌پذیر سازد؟

در سال ۱۹۸۱، رژیم صهیونیستی به رهبری اسرائیل و اوسیراک عراق حمله کرد. عراق عضو NPT بود و تأسیسات مورد حمله تحت پادمان آژانس قرار داشت. شورای امنیت سازمان ملل متحد در قطعنامه ۴۸۷، این حمله را به شدت محکوم کرد و آن را تهدیدی جدی برای نظام پادمان‌های آژانس دانست و رژیم صهیونیستی را محکوم کرد.

اما چرا در برابر حملات سال ۲۰۲۵ به تأسیسات هسته‌ای ایران، واکنشی هم‌سنگ و الزام‌آور مشاهده نشد. مشخص است آژانس روز به روز به سمت تأمین منافع غرب و رژیم صهیونیستی پیش می‌رود و همانطور که از مدارک منتشر شده از گروسی، رئیس سازمان انرژی اتمی منتشر شده بود مشخص است این آژانس تماماً با رژیم صهیونیستی هم‌پیمان و همراه است. اکنون نمی‌توان از کشورهای فاقد سلاح هسته‌ای انتظار داشت همه تعهدات خود را رعایت کنند، اما هنگامی که تأسیساتشان

مطالبه بازنگری در دکترین هسته‌ای از نماز جمعه تا محافل نخبگانی

وقت تجدیدنظر در
دکترین هسته‌ای

وقتی تأسیسات هسته‌ای کشوری که تحت نظارت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی فعالیت می‌کند، هدف حمله نظامی قرار می‌گیرد، دیگر نمی‌توان با تکرار توصیه‌های گذشته، امنیت ملی را تضمین کرد. حملات رژیم صهیونیستی به مراکز هسته‌ای ایران و بمباران فردو و تهدید به نابودی تمدن ایران پرسشی اساسی را پیش روی سیاست‌گذاران قرار داده است که اگر نظارت، همکاری با آژانس و پایبندی به تعهدات بین‌المللی نتواند مانع تجاوز شود، هزینه این پایبندی برای کشور چیست و طرف متجاوز چه هزینه‌ای می‌پردازد؟ اکنون بازنگری در دکترین هسته‌ای و ارزیابی مجدد ادامه عضویت در NPT، به مطالبه جدی در قشر نخبگانی و افکار عمومی تبدیل شده است.

است که اگر یک سیاست‌گذار ایرانی بودم برای دست یافتن به سلاح اتمی حتی اگر لازم بود علف می‌خوردم، چون وقتی سلاح اتمی داشته باشید بسیار بعید است که اسرائیل یا آمریکا مجدداً به شما حمله کنند.

اهمیت این بحث‌ها در آن است که بازدارندگی هسته‌ای، حتی در میان تحلیلگران آمریکایی، موضوعی جدی در محاسبات قدرت و امنیت تلقی شده است.

مقایسه جالب ایران با لیبی و کره شمالی!

مقایسه ایران با لیبی معمر قذافی یا کره شمالی، بدون توجه به تفاوت‌های تاریخی، سیاسی و نظامی، تحلیل دقیقی به دست نمی‌دهد. با اینحال، لیبی در دوره قذافی برنامه هسته‌ای خود را کنار گذاشت، اما تجربه بعدی این کشور و مداخله نظامی سال ۲۰۱۱ به بحثی گسترده درباره اعتبار تضمین‌های امنیتی و پیامدهای خلع سلاح یک جانبه دامن زد. مقایسه قذافی با اقدامات عجیب و غیراسلامی همچون ربایش امام موسی صدر و جمعیت ۵ میلیونی این کشور به هیچ عنوان مقایسه درستی نیست. ملتی که بیش از ۲۰۰ شب در خیابان فریاد انتقام سر می‌دهند و خواهان بازدارندگی هسته‌ای هستند هیچگاه قابل مقایسه با لیبی نیستند.

برخی برای مخالفت با بازنگری در دکترین هسته‌ای ایران، کره شمالی را مثال می‌زنند؛ اما آیا می‌توان بدون توجه به تفاوت شرایط دو کشور، از تجربه پیونگ‌یانگ عبور کرد؟ کره شمالی با وجود تحریم‌های گسترده آمریکا، فشارهای بین‌المللی و ابعاد جغرافیایی محدودتر نسبت به ایران، مسیر توسعه توان هسته‌ای و بازدارندگی نظامی خود را دنبال کرده است؛ حتی گزارش‌هایی نیز از رشد اقتصادی این کشور منتشر شده است. در مقابل، ایران با شدیدترین تحریم‌ها و تحمیل دو جنگ، همچنان به تعهدات بین‌المللی خود پایبند مانده، بی‌آنکه این پایبندی مانع حمله به تأسیسات هسته‌ای‌اش شود. حتی ادبیاتی هم که رئیس‌جمهور جنایتکار آمریکا برای کیم جونگ اون به کار میبرد دیدار و مذاکره با رفیق است! چرا که بیش از ۱۰۰ کلاهک اتمی دارد.

تجربه جنگ‌های تحمیلی نشان داد که عضویت در NPT و نظارت آژانس، تضمین‌کننده مصونیت تأسیسات هسته‌ای نیست. این واقعیت، ضرورت بازنگری در سیاست هسته‌ای ایران را به بحثی جدی تبدیل می‌کند. بحثی که باید از سطح شعار فراتر رود و هزینه‌ها، منافع و پیامدهای هر گزینه را بررسی کند.

هدف حمله قرار می‌گیرد، پاسخ نظام بین‌الملل عمدتاً به هشدارهای ایمنی و ابزار نگرانی محدود بماند.

وقتی دشمن از هزینه ندادن
سخن می‌گوید

مجری شبکه ۱۴ رژیم صهیونیستی در برنامه‌ای گفت که اسرائیل با توررو رهبران، فرماندهان و دانشمندان ایرانی، هزینه متناسبی نپرداخته و ایران حتی از NPT خارج نشده است. در همان نقل قول، این وضعیت به عنوان نشانه‌ای از محدود بودن هزینه‌های اقدام علیه ایران توصیف می‌شود.

این مساله نشان می‌دهد که اگر طرف مقابل به این جمع بندی برسد که حمله به ایران با هزینه‌ای قابل تحمل همراه است، احتمال تکرار چنین اقداماتی افزایش می‌یابد. بازدارندگی زمانی معنا پیدا می‌کند که محاسبات طرف مقابل را تغییر دهد. یعنی تصمیم‌گیران دشمن بدانند تجاوز، پیامدهایی جدی و پیش‌بینی‌پذیر خواهد داشت.

مطالبه تغییر دکتری هسته‌ای
از تریبون نماینده ولی فقیه

در چنین شرایطی، سخنان حجت‌الاسلام حاج علی اکبری، امام جمعه موقت تهران، درباره ضرورت تجدیدنظر در دکترین هسته‌ای و حتی ادامه حضور ایران در NPT، اهمیت ویژه‌ای دارد. او تأکید کرده است که موضوع هسته‌ای متعلق به ملت ایران است و دیگران حق ندارند برای کشور تعیین تکلیف کنند.

این بحث تنها در ایران مطرح نیست. در محافل دانشگاهی آمریکا نیز نظریه پردازانی درباره منطق بازدارندگی هسته‌ای و پیامدهای دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای بحث کرده‌اند.

کنت والتز، نظریه‌پرداز برجسته روابط بین‌الملل، در مقاله مشهور خود با عنوان «چرا ایران باید بمب را به دست آورد؟» در نشریه Foreign Affairs در سال ۲۰۱۲ استدلال کرد که ایجاد توازن هسته‌ای می‌تواند ثبات راهبردی بیشتری در خاورمیانه ایجاد کند. از دیدگاه او، انحصار هسته‌ای اسرائیل عامل عدم توازن است و تغییر این وضعیت می‌تواند محاسبات امنیتی طرفین را دگرگون کند. جان مرشایمر، نظریه‌پرداز و استاد دانشگاه شیکاگو، نیز در بحث‌های خود درباره ایران، بر منطق بازدارندگی و ضرورت بررسی گزینه‌های فاقد سلاح تهران تأکید کرده است. تا جایی که گفته

یادداشت

«حمله نمی‌کنیم» خودش یک عملیات است

پدرام حسینی
روزنامه‌نگار

گزارش کانال ۱۲ اسرائیل از گفت‌وگوهای مکرر نتانیا‌هو و ترامپ درباره ازسرگیری جنگ علیه ایران، بیش از آنکه صرفاً یک خبرانتخاباتی باشد، یک هشدار امنیتی است. نتانیا‌هو صراحتاً در پی آن است که پیش از انتخابات اسرائیل و انتخابات میان دوره‌ای آمریکا، پرونده جنگ با ایران را دوباره روی میز بگذارد. ترامپ اگرچه گفته پیش از انتخابات به ایران حمله نخواهد کرد، اما پاسخ مبهم او به نتانیا‌هو «خودت می‌دانی چه کار کنی، برو و آماده شو» دقیقاً همان ابهامی است که می‌تواند برای آماده‌سازی یک عملیات نظامی مورد استفاده قرار گیرد. نکته مهم تر آنجاست که حتی در داخل ساختار آمریکا نیز اختلاف بر سر شیوه مواجهه با ایران وجود دارد. وزیر دفاع آمریکا پیت هگست که در آستانه استیضاح قرار دارد و در یادار کوپررئیس سنتکام فرماندهی مرکزی آمریکا از حامیان ازسرگیری عملیات گسترده هستند، در حالی که بخش عمده مشاوران ترامپ ادامه فشار اقتصادی را ترجیح می‌دهند و صراحتاً می‌گویند: «این خفقان اقتصادی بهتر و بهتر عمل می‌کند. بیا بید به آن ادامه دهیم». بنابراین نباید تصور کرد کاهش موقت ادبیات جنگ به معنای کنار گذاشتن گزینه نظامی است؛ جنگ و فشار اقتصادی دو روی یک راهبرد واحد برای مهار ایران هستند.

از سوی دیگر، مسئله برای نتانیا‌هو فقط ایران نیست؛ انتخابات است. مقامات آمریکایی تصریح کرده‌اند که نتانیا‌هو قدرت خود را در نخست‌وزیری در زمان جنگ می‌بیند. حمله به ایران می‌تواند انتخابات اسرائیل را تحت تأثیر قرار دهد و حتی در صورت پاسخ موشکی گسترده ایران، امکان تعویق انتخابات را فراهم کند. همین مسئله نشان می‌دهد تصمیم جنگی تل‌آویو ممکن است بیش از آنکه تابع ملاحظات امنیتی باشد، با محاسبات سیاسی نتانیا‌هو گره خورده باشد.

اما خطرناک‌ترین بخش ماجرا، نه اظهارات نتانیا‌هو و ترامپ، بلکه همزمانی عملیات روانی با تحرکات میدانی است. گزارش‌های متعدد درباره انتقال گسترده سوخت رسان‌ها از آمریکا به اروپا و سپس به فرودگاه بن‌گوریون، گزارشات درباره پرواز جنگنده‌های اسرائیلی در حرمس هوایی عراق و نوار مرزی غرب ایران، در کنار رمزایش‌ها و تمرینات نظامی، نباید عادی تلقی شود. تکرار پروازها می‌تواند هم مأموریت شناسایی و جمع‌آوری اطلاعات داشته باشد و هم با عادی‌سازی تدریجی حضور جنگنده‌ها، حساسیت نیروهای ایرانی را کاهش دهد؛ الگویی که در آستانه جنگ‌های گذشته نیز نشانه‌هایی از آن دیده شد.

در چنین شرایطی، بمباران خبری درباره «حمله نمی‌کنیم»، «ترامپ مخالف جنگ است» یا «نتانیا‌هو هنوز چراغ سبز نگرفته» می‌تواند بخشی از همان عملیات روانی باشد. مسئله، پیش‌بینی قطعی جنگ نیست؛ مسئله، جلوگیری از عادی‌سازی تهدید است. دشمن اگر قصد حمله داشته باشد، دقیقاً از جایی سود می‌برد که جامعه و حتی بخشی از ساختار تصمیم‌گیر، تهدید را به خبر تکراری و بی‌اهمیت تبدیل کرده باشد. بنابراین پاسخ عقلانی، نه هراس و نه خوش‌بینی، بلکه حفظ هوشیاری حداکثری است؛ اگر قرار است غافلگیری تکرار نشود، امروز باید همان روزی باشد که همه چیز عادی به نظری رسد؛ چراکه دشمن دقیقاً برای همین لحظه برنامه‌ریزی می‌کند؛ لحظه‌ای که ما خیال کنیم جنگ قرار نیست آغاز شود.



مسئله «توانایی» نیست

آنچه طی هفته‌های اخیر در تنگه هرمز، خلیج فارس، سواحل عمان و همزمان در جبهه یمن رخ داده، یک گزاره مهم را پررنگ کرده است: ایران و متحدانش از ابزارهای اعمال قدرت برخوردارند. بنابراین پرسش اصلی دیگر درباره اصل توانایی نظامی نیست؛ بحث بر سر ارائه استفاده از این ظرفیت و جلوگیری از آن است که محاسبات سیاسی، دست میدان را در لحظات تعیین‌کننده ببندد.

پیام صریح برخورد با قریب به ۳۰ کشتی متخلف و نخستین گفت‌وگوی تلویزیونی فرمانده نیروی دریایی سپاه درباره معادله قدرت در هرمز

راهبرد جدید در تنگه

آمریکایی صدها کیلومتر دورتر از هرمز و افزایش برخورد با شناورهای متخلف، مجموعه تحولات اخیر نشان می‌دهد توان اعمال قدرت وجود دارد؛ مسئله، برداشتن موانع از برابر این توان است.



محسن فرهمند
روزنامه‌نگار

هرمز؛ نمایش قدرت در میدان

اتفاق ویژه هفته‌های اخیر، نمایان شدن دامنه کنترل عملیاتی نیروی دریایی سپاه بر تنگه هرمز و امکان تداوم کنترل ایران بر این شاهراه حیاتی است. براساس آمارهای مطرح‌شده، در فاصله ۵ تا ۱۱ اکتبر ۱۲ شناور تجاری هدف قرار گرفته‌اند؛ رقمی بالاتر از ۱۱ شناور هفته نخست درگیری‌ها. تنها در ۱۱ اکتبر نیز پنج نفتکش و یک کشتی کانتینربر در محدوده تنگه و حوالی لنگرگاه مقابل بندر صحر عمان هدف قرار گرفتند. دامنه این حوادث نیز دیگر صرفاً به خود تنگه محدود نیست؛ گزارش‌هایی از هدف قرار گرفتن نفتکش‌ها در آب‌های ساحلی قطر، شرق فجیره و لنگرگاه‌های سواحل امارات مطرح شده است. براساس همین آمارها، از یکشنبه تا کنون بیش از چهار کشتی متخلف بر اثر برخورد با مین یا پرتابه آسیب دیده‌اند و یک کشتی بزرگ کانتینربر نیز پس از برخورد با مین دریایی هنگام تردد از مسیر غیرمجاز در تنگه هرمز غرق شده است.

معنای سیاسی این ارقام روشن است. از ۲۸ سپتامبر تا ۱۱ اکتبر، یعنی در کمتر از دو هفته، دست‌کم ۲۳ کشتی و نفتکش هدف قرار گرفته‌اند؛ سطحی از فشار که حتی در بخش‌هایی از جریان جنگ نیز مشاهده نشده بود. بنابراین کاهش مقطعی فشار در هرمز را نمی‌توان الزاماً به فقدان توانایی نسبت داد. تحولات اخیر نشان داده است که ظرفیت نظامی برای تشدید کنترل وجود داشته و دارد.

«منتظریم نزدیک شوند»

صریح‌ترین بخش سخنان عظمایی نیز همین‌جا بود. او گفت: «ما منتظریم یکی از ناوهای آمریکایی به این منطقه، یعنی خلیج فارس، بیاید... رزمندگان ما لحظه به لحظه روزشماری می‌کنند تا این اتفاق بیفتد و آن‌ها را در همین منطقه غرق کنند.» این سخن در کنار تأکید او بر اینکه «رزمندگان ما امروز آماده‌تر از دیروز هستند»، نشان می‌دهد فرمانده میدان از فقدان ابزار سخن نمی‌گوید؛ از افزایش آمادگی، اصلاح تاکتیک‌ها و به‌روزرسانی تجهیزات سخن می‌گوید. تحولات هفته‌های اخیر، از فعالیت قدرتمندانه نیروی دریایی سپاه در تنگه

انتشار نخستین مصاحبه تلویزیونی دریادار علی عظمایی، فرمانده نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، به خوبی خط‌ومشی جان‌برکفان و قهرمانان ملی ایران درباره خلیج فارس و تنگه هرمز را مشخص کرد. عظمایی مستقیماً ادعای آمریکا درباره کنترل هرمز را هدف گرفت و گفت: «آمریکایی‌ها امروز ادعا می‌کنند که تنگه هرمز باز است و کنترل آن را در اختیار دارند، اما این ادعا با واقعیت‌های میدان متفاوت است... اگر می‌خواهند بدانند تنگه هرمز باز است یا بسته، باید وارد میدان شوند و ببینند کنترل این تنگه در اختیار چه کسی است.»

عظمایی تصریح کرد: «تنگه هرمز و خلیج فارس در اختیار نیروی دریایی سپاه است و برادران عزیز ما در نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران نیز دریای عمان را کنترل می‌کنند.» او سازوکار این حضور را نیز «کنترل هوشمند» خواند و توضیح داد: «شناورهایی که باید از این مسیر عبور کنند، باید از ما مجوز بگیرند.»

فرمانده نیروی دریایی سپاه تصویری متفاوت از تبلیغات واشنگتن درباره قدرت ناوگان آمریکا ارائه کرد: «امروز ارتش آمریکا و هفت ناوگان آن به قاچاقچیان سوخت تبدیل شده‌اند.» به گفته وی، ناو هواپیمابر ۱۳ میلیارد دلاری آمریکا «در فاصله ۷۰۰ تا ۸۰۰ کیلومتری تنگه هرمز قرار گرفته است؛ زیرا آسیب‌پذیر است و جرئت نمی‌کند نزدیک شود و در تیررس رزمندگان ما قرار بگیرد.»

عظمایی همچنین گفت آمریکایی‌ها شناورهای متخلف را برای خروج مخفیانه و «با چراغ خاموش» ترغیب کرده و جنگنده‌های اف ۳۵ و اف ۱۶ را برای پشتیبانی از خروج چند نفتکش به کار گرفته‌اند. او هزینه انتقال نفت را نیز حدود ۱۵۰ دلار برای هر بشکه عنوان کرد و درباره برخورد‌های صورت‌گرفته گفت: «ما مجبور شدیم تصاویری که دو مورد از این شناورها را در روزهای گذشته منتشر کنیم تا مشخص شود آمریکا به چه خفت و خواری رسیده است.»

نوبنیاد

■ **صاحب امتیاز:** محسن منصوری

■ **مدیر مسئول:** حمیدرضا بیانی

■ **تلفن:** ۰۲۱-۸۸۴۹۹۳۷۲

■ **کدپستی:** ۱۵۹۸۹۷۵۷۱۵

■ آدرس: خ ســـپهبد قـرنی خ شـــاداب پلاک ۲۲ واحد پنج

■ چاپخانه: صمیم

■ nobonyadonline nobonyadonline

n o b o n y a d o n l i n e . i r

۸ فرهنگ

C U L T U R A L

■ پنجشنبه ۲۳ مهر ۱۴۰۵ ■ سال اول ■ شماره ۱۶۰

یادداشت

چند کتاب درباره شهید آیت‌الله اشرفی اصفهانی

وحید ناظری
روزنامه‌نگار

امروز سالگرد شهادت پنجمین شهید محراب، آیت‌الله‌شرفی اصفهانی است. به همین مناسبت در این مطلب به معرفی چند کتاب برای آشنایی بیشتر با این شخصیت برجسته پرداخته‌ایم: «مسافرت‌ها» نوشته کیوان امجدیان، از انتشارات سوره مهر نقطه شروع مناسبی برای مخاطب عام است. امجدیان زندگی شهید را در قالب روایتی داستانی بازسازی کرده و خواننده بدون مواجهه با حجم زیادی از اطلاعات تاریخی و اسناد، با شخصیت، مسیر زندگی، مبارزات و شهادت او آشنا می‌شود. زبان روایی کتاب باعث شده برای کسانی که نخستین بار می‌خواهند درباره شهید اشرفی اصفهانی مطالعه کنند، گزینه‌ای قابل دسترس باشد.

در گام بعد می‌توان سراغ «آیت‌الله‌شرفی اصفهانی» نوشته اصغر فکور، منتشرشده توسط انتشارات مدرسه رفت. این کتاب تصویری فشرده‌تر اما منظم از زندگی و فعالیت‌های شهید ارائه می‌کند و خواننده را با ابعاد مختلف شخصیت او، از دوران تحصیل و فعالیت‌های حوزوی تا حضور اجتماعی و سیاسی، آشنا می‌سازد. این اثر برای مخاطبی مناسب است که پس از آشنایی اولیه، می‌خواهد اطلاعات منسجم‌تری درباره شخصیت شهید به دست آورد.

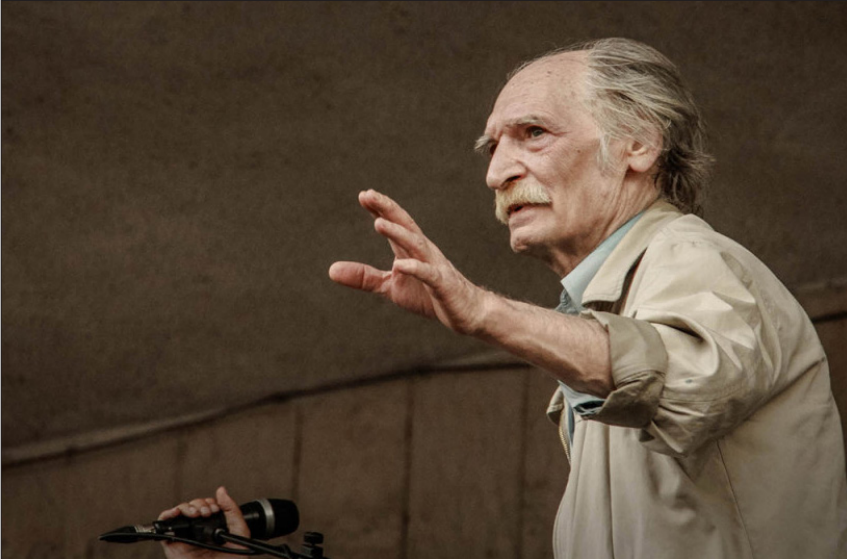
اما اگر هدف، مطالعه جدی‌تر زندگی سیاسی و اجتماعی شهید باشد، «زندگی و مبارزات آیت‌الله شهید اشرفی اصفهانی» نوشته حسین کاوشی و فاطمه نظری کهره، از انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی انتخاب مهم‌تری است. این کتاب مسیر زندگی شهید را از سال‌های نخست زندگی و تحصیل تا فعالیت‌های مبارزاتی، حضور در کرمانشاه، پیروزی انقلاب اسلامی و نقش او در دوران دفاع مقدس دنبال می‌کند و در میان این آثار، تصویری جامع‌تر از زندگی او به دست می‌دهد.

در نهایت، برای پژوهشگر تاریخ انقلاب، «یاران امام به روایت اسناد ساواک: آیت‌الله‌حاج شیخ عطاءالله‌شرفی اصفهانی» منتشرشده توسط مرکز بررسی اسناد تاریخی اهمیت ویژه‌ای دارد. تفاوت اصلی این اثر با زندگی‌نامه‌های روایی، تکیه آن بر اسناد ساواک است؛ بنابراین برای بررسی فعالیت‌های سیاسی شهید در دوره پهلوی، ارتباط او با نهضت امام خمینی و واکنش دستگاه امنیتی رژیم به فعالیت‌هایش، منبعی جدی‌تر محسوب می‌شود.

چرا عدم موفقیت نویسندگان ایرانی در زمینه دریافت جایزه نوبل به نفع ماست؟

بیماری جذاب کی‌رایت

آکادمی سوئدی جایزهٔ نوبل ادبیات ۲۰۲۶ را به آن کارسون، شاعرو نویسندهٔ کانادایی، اهدا کرد؛ انتخابی که برای طیفی از خوانندگان ایرانی – که اغلب آن‌ها دوستدار غرب به‌شمار می‌آیند– حسی از حسرت را در پی داشت. چند هفته پیش، برخی رسانه‌های خوش‌خیال وفاقی با استناد به گمانه‌زنی یک سایت شرط‌بندی، نام محمود دولت‌آبادی را به‌عنوان شانس دریافت نوبل بازتاب داده بودند. در طرف دیگر این رویارویی، شاعری قرار دارد که آثارش به زبان‌های متعدد



مسعود حقیفی

روزنامه‌نگار

نوبل ادبیات مسابقه سنجش برتری یک متن نیست و بیشتر شبیه مراسمی می‌ماند که در شکاف میان کیفیت اثر تالیفی، خواست مخاطب و بازار برگزار می‌شود. نویسنده‌ای که سال‌ها در زبان دیگر زندگی نکرده باشد، به هیئت داوری نمی‌رسد. این «زندگی دوم» با گزنت دولتی، نمایندگی ادبی حرفه‌ای و مترجمان معتبر ممکن می‌شود. آن کارسون از همین مسیر گذشته است. شعرا و پیش از نوبل، سوژهٔ پایان‌نامه، متن درسی و همینطور نقد در دانشگاه‌ها، مجلات و محافل ادبی آمریکای شمالی و اروپا بوده است. پس طبیعی می‌نماید که این نویسنده با برخورداری از یک کیفیت متوسط هم بتواند وارد تالار بزرگان ادبیات شود. در مقابل، ادبیات فارسی در مرحله ترجمه می‌لنگد. ترجمه باکیفیت کم است، مترجم تخصصی درآمد کمی دارد و ناشر غربی، انتشار رمانی ششصد صفحه‌ای از نویسنده‌ای ناشناس را پرریسک می‌داند. بنابراین نتیجه گیر افتادن در چرخه‌ای معیوب است: بدون ترجمه دیده نمی‌شویم؛ در اینجا باید گفت که بدون دیده‌شدن، سرمایه‌ای برای ترجمه اختصاص نمی‌یابد و مضاف براین، تحریم و دشواری انتقال پول این چرخه را تنگ‌تر کرده‌اند. انتظار بازار جهانی از نویسنده ایرانی نیز غالباً روایتی سیاسی و هویتی است و اثری که این انتظار را برآورده نکند، شانس کمتری دارد. اما با همه اوصافی که ذکر آن رفت، این غیبت نشانه‌ای مبنی بر ناتوانی ذاتی نیست.

محمود دولت‌آبادی و دیگر نویسندگان شاید در معیارهای ادبی کم از برندگان نوبل نداشت‌ه باشند، اما مسئله به زیرساخت ناقص انتشار بازمی‌گردد نه کمبود استعداد. بنابراین چنین زیرساختی قابل ساختن است. عدم عضویت ایران در کنوانسیون برن اما داستانی جداست. نوبل شرط عضویتی ندارد و هیچ مقرره‌ای ناشر را به پیوستن به معاهده‌ای مالکیت معنوی ملزم

یادداشت

خواب عمیق وزارت فرهنگ و ارشاد

سعید مصباح
روزنامه‌نگار

اکران فیلم «خانه دوست اینجاست» در جشنواره فیلم لندن، بار دیگر ضعف وزارت ارشاد و فرهنگ اسلامی دولت پزشکیان و نهادهای ناظر را به رخ کشید. فیلمی که در مرزهای ایران و بدون مجوز ساخته شده و با لگد زدن به هنجارها و ارزش‌های کشور در پی کسب اعتبار در جشنواره‌های خارجی است. ساختن چنین فیلم‌هایی در دولت پزشکیان تبدیل به یک رویه شده و مشخص نیست نهاد‌های ناظر مشغول چه کاری هستند. پیش‌تر نیز محسن قرایی به اعتراف خود، برای کسب مجوز ساخت، یک فیلمنامه جعلی را ارائه کرد و پس از کسب مجوز به طور کلی فیلم دیگری را ساخت و حتی در جشنواره ونیز هم شرکت کرد و جایزه گرفت! قبل‌تر از آن نیز جعفر پناهی با ساخت فیلم غیرمجاز و زیرزمین، برای غربی‌ها خوش رقصی کرده بود و با اخذ نخل طلای جشنواره کن پاداش گرفت.

اینطور که از ظواهر امر پیداست روند تولید فیلم‌هایی بدون پروانه ساخت مثل قارچ در حال رشد است و اقدام مناسبی از جانب متولی فرهنگ برای جلوگیری از این روند مخرب صورت نمی‌گیرد. وزارت فرهنگ و ارشاد دولت پزشکیان طی دو سال گذشته ثابت کرده است که دغدغه هر چیزی را دارد به جز فرهنگ.

مسئله فقط یک یا دو فیلم نیست؛ مسئله سکوت و بی‌عملی ساختاری است. وقتی سازنده‌ای بدون هیچ هزینه‌ای از چرخه نظارت عبور می‌کند، فیلمش را به بیرون از کشور می‌برد و در قاپ رسانه‌های غربی به عنوان هنرمند آزاده و مستقل معرفی می‌شود، پیام روشنی به دیگر فعالان این حوزه ارسال می‌شود: قانون برای دور زدن است و هیچ‌کس هم پاسخگو نخواهد بود. آنچه امروز در لندن اتفاق می‌افتد، نتیجه مستقیم همین مسامحه است.

جالب اینجاست که مسئولان فرهنگی کشور حتی به صدور یک بیانیه خشک و خالی هم اقدام نمی‌کنند و عملاً بر این روند صحه می‌گذارند. نه بازخواستی انجام می‌شود، نه سازوکاری برای پیشگیری طراحی می‌شود و نه توضیحی به افکار عمومی داده می‌شود. مردمی که مالیاتشان صرف نهاد‌های فرهنگی می‌شود، حق دارند بپرسند این همه ساختار و بودجه و مدیر برای چیست، وقتی نتیجه‌اش بی‌دفاع ماندن در برابر چنین رویه‌هایی است. از سوی دیگر، جشنواره‌های خارجی سال‌هاست که با معیارهای سیاسی، نه صرفاً هنری، درباره سینمای ایران تصمیم می‌گیرند. فیلمی که با هنجارهای یک جامعه درگیر شود و برچسب «ممنوعه» بخورد، شانس بیشتری برای دیده‌شدن دارد. این یک بازی شناخته‌شده است و کسانی که وارد آن می‌شوند، دقیقاً می‌دانند چه می‌کنند. سازندگانی که از امکانات و فضای کشور بهره می‌برند اما برای تأیید غربی‌ها هزینه می‌کنند، نباید انتظار داشته باشند با آنها همچون هنرمندی مستقل رفتار شود.

اگر وزارت ارشاد واقعاً خود را متولی فرهنگ می‌داند، باید از موضع انفعال خارج شود: نظارت بر مراحل تولید را جدی بگیرد، با متخلفان برخورد قانونی کند و مهم‌تر از همه، از سینماگران متعدّد و دارای مجوز حمایت واقعی به عمل آورد. بی‌تفاوتی امروز، هزینه‌اش را فردا فرهنگ عمومی خواهد پرداخت. تا زمانی که این مطالبه جدی گرفته نشود، باید منتظر فهرست بلندتری از چنین اکران‌هایی باشیم.



مستند «عروس لبنان» همزمان با سالگرد ترور معصومه کرباسی، پنجشنبه ۲۳ مهرماه ساعت ۱۸ از شبکه دو سیما پخش می‌شود. این اثر به پژوهش و کارگردانی مهدیه‌سادات محورو تهیه‌کنندگی احمد شفیع‌ی ساخته شده و روایتگر زندگی زنی است که مسیر زندگی‌اش از شیراز به بیروت رسید.



مستند «عروس لبنان»؛ روایتی از عشق و ایستادگی در بیروت